

صرفه‌های ناشی از مقیاس را به تولید بازگردانیم

مهندس علیرضا تحسیری

مدیرعامل شرکت داروسازی فارابی

■ مقدمه

گرفته، در حالی که صرفه‌های مقیاس شرط مبنایی کارآیی است. نبود کارآیی ناشی از عدم چیدمان صحیح و انتخاب بهینه تشکیلات تولیدی، بازدهی هر واحد هزینه را کاهش داده و به کاهش بهره‌وری انجامیده و کاهش بهره‌وری نیز رشد اقتصادی را متاثر کرده است.

صرفه یا مزیت مقیاس^۱، مفهومی در اقتصاد خرد است که به کسب مزیت کاهش هزینه در اثر افزایش حجم تولید اشاره دارد. صرفه مقیاس به معنای آن است که با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط تولید هر واحد کالا کاهش می‌یابد. دلایل متعددی نیز برای این مسأله وجود دارد که شامل مواردی همچون: کسب تخفیف در خرید به دلیل حجم بالای خرید، افزایش تجربه و یادگیری

در اقتصاد ایران نه تولید به شکل انبوه رخ داده و نه انقلابی در بهره‌وری صورت گرفته است. در حالی که برای رهایی از دام رشد اقتصادی اندک و منفی، تحقق این دو امر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در حال حاضر بخشی از صنعت در کشور به روش سنتی اداره می‌شود و روش‌های دانش بنیان در آن فاقد موضوعیت است و بخش اندکی هم که مدرن است از حیث مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به دنیای خارج وابسته می‌باشد. این بخش علاوه بر وابستگی، از کارآیی و بهره‌وری مناسب نیز برخوردار نیست. منظور از کارآیی، رعایت صرفه‌های مقیاس و بهره‌گیری از آن در تولید است. در اقتصاد ما ورود به صنایع مختلف بدون توجه به این مولفه مهم صورت

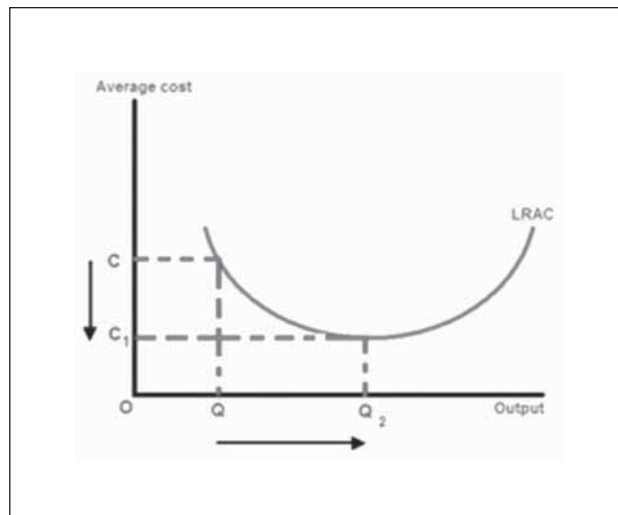
تنها یک سطح تولید بهینه وجود دارد اما شواهد دنیای واقع مویده آن است که منحنی هزینه متوسط L شکل است (۱) و بنابراین، سطح تولید بهینه منحصر به فرد نمی‌باشد.

به هر حال در مطالعه‌های کاربردی برای اندازه‌گیری صرفه‌های مقیاس، سطح تولیدی که برای اولین بار هزینه متوسط تولید در آن حداقل می‌شود را به عنوان سطح تولید بهینه (MES^2)، در نظر می‌گیرند (۲).

در صنایعی که صرفه‌های مقیاس وسیع است انتظار بر این است که سطح تولید بهینه (MES) بسیار بزرگ باشد. معمولاً در صنایع انحصاری به ویژه انحصار طبیعی، اندازه MES بسیار نزدیک به اندازه بازار است. در صنایع رقابتی اندازه MES در مقایسه با اندازه بازار بسیار کوچک است (۲).

کارکنان، کسب منابع مالی بیشتر، سرشکن شدن هزینه‌های بازاریابی در بازارهای وسیع‌تر، بهبود فناوری تولید و فراهمی و استطاعت مالی برای تحقق صرفه‌های ناشی از خلاقیت و نوآوری می‌باشد. آن چه باعث رشد بسیاری از صنایع می‌شود کسب صرفه در مقیاس بزرگتر است. در عین حال وقتی یک یا چند شرکت در یک صنعت دارای مزیت مقیاس هستند، اگر شرکت دیگری بخواهد وارد رقابت با آنان شود باید در مقیاس انبوه تولید را آغاز کند یا این که هزینه زیاد تولید در مقیاس کم را متحمل شود.

در اقتصاد خرد، به سطحی از تولید که صرفه‌های مقیاس کامل بوده و هزینه متوسط بلندمدت به حداقل می‌رسد، سطح تولید بهینه گفته می‌شود. اگر چنانچه منحنی هزینه متوسط U شکل باشد



زمانی که میزان تولید از Q به Q_2 افزایش پیدا می‌کند، هزینه متوسط تولید از C به C_1 کاهش پیدا می‌کند. تولید بهینه در سطح Q_2 رخ می‌دهد و تولید فراتر از آن به افزایش هزینه‌ها می‌انجامد.

اقتصادهای نوظهور و توسعه یافته می باشد. در این زمینه گالبرایت^۴ (۱۹۵۲)، در کتاب خود با عنوان «سرمایه داری آمریکا؛ نظریه قدرت همسنگ» بیان می کند که علی رغم تمام تلاش های نظام های دولتی آمریکا برای جلوگیری از پدید آمدن انحصار عملاً در اغلب رشته ها، شبه انحصار شکل گرفته و علی رغم مذموم بودن این پدیده، شبه انحصارهای به وجود آمده توانسته اند هزینه توسعه تکنولوژی را تامین کنند.

پورتر، نیز معتقد است در صحنه تجارت بین الملل یکی از علل تفوق شرکت ها و کشورها، برخورداری آنها از صرفه های مقیاس (حرکت به سمت تمرکز) است (۷).

■ مزایای صرفه مقیاس در تولید

□ کاهش هزینه تمام شده تولید

با افزایش سطح تولید در حد صرفه مقیاس هزینه های ثابت تولید سرشکن شده و به تبع کاهش هزینه متوسط ثابت، هزینه متوسط تولید هر واحد محصول (قیمت تمام شده) نیز کاهش می یابد.

□ افزایش اشتغال

آشکار شدن مزایای رسیدن به سطح صرفه مقیاس، در کنار آماده بودن سایر شرایط، موجب به کارگیری نیروی کار جدید و تسهیل تبدیل نیروی کار به سرمایه انسانی می شود.

□ افزایش بهره وری نیروی کار

معمولاً ابتدا جهت گسترش سطح تولید و قبل از افزایش نیروی کار، سعی می گردد افزایش بهره وری نیروی کار و بهره وری سرمایه موجود صورت گیرد. چرا که در سطح صرفه مقیاس، قدرت

اندازه گیری سطح تولید بهینه کار ساده ای نیست و معمولاً با پیچیدگی هایی همراه است. برای مثال ابتدا باید معیاری برای ارزیابی مقیاس در نظر گرفته شود و سپس حدود بازار یا صنعت مشخص شود. برای محاسبه MES روش های مختلفی در ادبیات مربوطه معرفی شده اند. برای مثال، ویز (۳) استریکلند - ویز (۴) و هارت - کلارک (۵)، میانه اندازه بنگاه های^۷ یک صنعت را به عنوان سطح تولید بهینه در نظر گرفته اند. روش عملی دیگر استفاده از اندازه نیمه بزرگ تر بنگاه های صنعت است (۶). در روش کومانور، صرفه های مقیاس به صورت مطلق، یعنی $MES = \sum_{i=1}^n \frac{X_i}{\frac{n}{2}}$ محاسبه می شود.

n تعداد بنگاه های فعال در صنعت و X_i اندازه بنگاه (برحسب فروش) است. البته، در روش کومانور تنها نیمه بزرگ تر بنگاه های صنعت مورد توجه قرار می گیرد. کومانور در حمایت از روش خود اظهار می دارد که بنگاه ها در هر صنعت در سطحی که سود بیشتر است، متمرکز می شوند. در واقع، بنگاه ها اندازه خود را در نزدیکی سطح بهینه تعیین می کنند (۲).

بررسی ها نشان می دهد که در ایران صنایع با MES بالا در زمره آن دسته از صنایعی هستند که تعداد بنگاه های فعال در آنها کم است (حرکت به سمت تمرکز یا انحصار).

به دلیل اهمیت صرفه های مقیاس در شکل گیری انحصار، بازارهایی که دارای چنین ویژگی هستند به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی دولت کنترل می گردند، اگرچه شکل گیری انحصارات به نوبه خود از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار در توسعه

۵) انعطاف در تولید؛ واکنش مناسب نسبت به نوسانات بازار

تولید با صرفه مقیاس، تولیدکننده را نسبت به تولید منعطف‌تر و نسبت به نوسان‌های بازار پایدارتر می‌سازد.

□ تخصصی شدن

با رسیدن سطح تولید به سطح صرفه مقیاس فرآیند تولید بیشتر به سمت تخصصی شدن پیش می‌رود، زیرا با به‌کارگیری تکنولوژی پیشرفته، نیاز استفاده از تخصص‌های مرتبط نیز احساس شده و از منظر کلان اقتصادی در صورت جهت‌گیری‌های کلی صنعت به این سمت، تقاضا برای تخصص‌های گوناگون و در نتیجه انگیزه برای به‌کارگیری متخصصان فراهم می‌شود.

□ افزایش قدرت رقابت‌پذیری

افزایش سطح تولید موجب کاهش قیمت تمام‌شده، ارتقای قدرت رقابت‌پذیری قیمتی و نیز مراعات بهتر استانداردهای بین‌المللی تولید و ارتقای کیفیت و برخورداری از شرایط روزآمد GMP⁵ خواهد شد که پیش‌نیاز ورود به بازارهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است.

□ افزایش قدرت جذب منابع مالی

در فضایی که اقتصاد جامعه چندان پذیرای محیط خطر از نظر جذب منابع بانکی نیست، با بزرگ شدن مقیاس تولید، در صورت وجود عامل انعطاف در تولید نسبت به نوسان‌های بازار، خطر تولید به شدت کاهش پیدا کرده و این امر خود به جذب بیشتر منابع مالی کمک می‌کند. هم‌چنین بازپرداخت این منابع به صورت منظم‌تر صورت گرفته و سیستم بانکی کمتر شاهد مطالبات معوق خواهد بود.

مانور مدیریت نیروی انسانی جهت به‌کارگیری نیروی کار بالا می‌باشد. مثلاً در کارخانه‌ای با پنج دستگاه تولیدی، یک کارگر ممکن است فقط نیمی از وقتش صرف آن دستگاه‌ها شود و نیمی از وقتش هدر رود، اما با ۱۵ دستگاه، تمام وقت آن کارگر پر می‌شود و این به معنای افزایش بهره‌وری نیروی کار است.

□ ایجاد صرفه در خرید مواد اولیه

یکی از منافع تولید در سطح صرفه مقیاس، ایجاد صرفه در خرید مواد اولیه و افزایش قدرت چانه‌زنی خریدار می‌باشد. به طور مثال، از آنجایی که مواد اولیه بخش عمده‌ای از هزینه تمام‌شده تولید دارو را تشکیل می‌دهد (حدود ۹۰ درصد). هنگام تولید دارو در سطح وسیع، تقاضا برای مواد اولیه می‌تواند به حدی برسد که تولیدکننده بتواند با خرید کلی مواد اولیه، به میزان قابل توجهی در هزینه‌های خود صرفه‌جویی کند.

□ بهبود کیفی و پیشرفت تکنولوژی تولید

با اتخاذ سیاست‌های کلان در سوق دادن صنایع کوچک به متوسط و متوسط به بزرگ، فضای تکنولوژیکی تولید نیز به سمت تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر با بهره‌وری بالاتر سوق می‌یابد. تقاضای ایجاد شده برای این گونه تکنولوژی‌ها انگیزه تولید آن‌ها را از سوی متخصصان و نیز پژوهشگران داخلی افزایش می‌دهد. ایجاد این تمایل خود یکی از مهمترین ارکان توسعه اقتصادی کشور و صنعت به خصوص از مجرای افزایش تولید است. افزایش میزان تولید نیز خود عامل ایجاد صرفه‌های ناشی از تخصص‌گرایی در تولید کالاها و فرآورده‌های صنعتی است.

■ واقعیت‌های موجود در اقتصاد ایران مبنی بر عدم استفاده از صرفه‌های مقیاس (حوزه دارو)

□ واقعیت‌های موجود در جهان

■ ارزش بازار جهانی دارو در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار بوده است.

■ ۱۰ شرکت بزرگ داروسازی در جهان با بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس، کنترل یک سوم بازار داروی جهان را در اختیار گرفته‌اند. فروش هر یک از آن‌ها به بیش از ده‌ها میلیارد دلار در سال، با حاشیه سودی معادل ۳۰ درصد می‌رسد (در سال ۲۰۰۹ درآمد حاصل از فروش ۵ شرکت بزرگ داروسازی جهان به بیش از ۲۳۰ میلیارد دلار بالغ گردیده است).

■ متوسط فروش ۵ شرکت بزرگ داروسازی جهان، بیش از ۴۵ میلیارد دلار در سال است (یعنی هر یک از پنج شرکت مذکور به تنهایی ۲۶ برابر فروش داروی تولید داخل ایران در یک سال، دارو می‌فروشند).

■ از ۱۰ شرکت بزرگ داروسازی دنیا، شش شرکت در آمریکا و چهار شرکت در اروپا واقع شده‌اند.

■ بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس به شرکت‌های مذکور اجازه داده تا یک سوم از درآمد حاصل از فروش خود را به بازاریابی محصولاتشان اختصاص دهند. تقریباً دو برابر آن‌چه صرف تحقیق و توسعه می‌کنند.

■ صرفه‌های مقیاس در صنعت داروسازی ژاپن باعث شده تا ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور توسط این صنعت ایجاد شود (۱۰ درصد مذکور از تولید ناخالص داخلی ایران بیشتر است).

■ تمرکزگرایی و حرکت به سمت صرفه‌های مقیاس باعث گردیده تا ۹۶ شرکت داروسازی موجود در ترکیه حدود ۶ میلیارد دلار (بیش از ۳ برابر ایران) برای آن کشور درآمد ایجاد کنند. آن‌چه بر اساس واقعیت‌های مذکور مستفاد می‌گردد این است که عمده کشورهای جهان با بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس، توانسته‌اند یا حداقل در تلاش هستند تا سهم بیشتری از بازار جهانی دارو را به خود اختصاص دهند. چرا که وجه بارز ایجاد صرفه‌های مقیاس، تولید بیشتر، قیمت تمام‌شده کمتر و افزایش رقابت‌پذیری فنی و خلق ارزش و نوآوری است.

□ واقعیت‌های موجود در ایران

■ برخلاف اقتصادهای نوظهور و عمده کشورهای توسعه‌یافته، سال‌ها است که در کشورمان سرمایه‌های خرد به ایجاد بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی کوچک مقیاس و غیررقابتی ترغیب و تشویق می‌شوند.

■ هم‌چنین سال‌ها است که سرمایه‌های خرد به سمت تاسیس بنگاه‌های خدماتی آن‌هم با حضوری غیرموثر در اقتصاد کشور با توجه به تولید ناخالص داخلی در مقایسه با بنگاه‌های تولیدی، سوق داده می‌شوند.

■ بررسی‌ها نشان می‌دهد که تکتور واحدهای تولیدی و عدم صرفه‌های مقیاس در تولید منجر به عدم رقابت‌پذیری و افزایش قیمت تمام‌شده بنگاه‌ها، مانع از فراهم آمدن عواید اقتصادی لازم برای تأمین هزینه‌های مورد نیاز برای تحقیق و توسعه، مانع از رقابت‌پذیری در کیفیت و مانع از جذب و انتقال تکنولوژی‌های روز و به روز رسانی

جدول 1 - مقایسه تعداد شرکت‌های فعال در برخی صنایع در داخل و خارج ایران (8)

تغییرات نسبت به ایران	سرنانه هر شرکت	تولید سالانه	تعداد شرکت	کشور	صنعت
-	۱۱/۶ میلیارد دلار	GDP = ۳۲۵ میلیارد دلار	۲۸ بانک دولتی + ۸۴۴ تعاونی اعتباری	ایران	بانکداری
۲/۴ برابر بیشتر	۲۸ میلیارد دلار	GDP = ۸۳۲ میلیارد دلار	۳۰ بانک	کره جنوبی	
۱۸ درصد بیشتر	۱۳/۶ میلیارد دلار	GDP = ۶۱۴ میلیارد دلار	۴۵ بانک	ترکیه	
۳/۷ برابر بیشتر	۴۳ میلیارد دلار	GDP = ۱۲۸۵ میلیارد دلار	۱۷ بانک	کانادا	
۱۴ برابر بیشتر	۱۶۶ میلیارد دلار	GDP = ۴۹۸۴ میلیارد دلار	۳۰ بانک	چین	
۱۲/۵ برابر بیشتر	۱۴۵ میلیارد دلار	GDP = ۲۰۳۲ میلیارد دلار	۱۴ بانک	برزیل	
-	۴۲ هزار دستگاه	۱,۶۰۰ هزار دستگاه	۳۸	ایران	خودرو
۷۴ درصد بیشتر	۷۳ هزار دستگاه	۱,۱۰۰ هزار دستگاه	۱۵	ترکیه	
۲۰ برابر بیشتر	۸۷۳ هزار دستگاه	۹,۶۰۰ هزار دستگاه	۱۱	ژاپن	
۲۰ برابر بیشتر	۸۶۰ هزار دستگاه	۴,۳۰۰ هزار دستگاه	۵	کره جنوبی	
۸ برابر بیشتر	۳۴۷ هزار دستگاه	۱۸,۳۰۰ هزار دستگاه	۵۳	چین	
۴ برابر بیشتر	۱۸۰ هزار دستگاه	۹۰۰ هزار دستگاه	۵	ایتالیا	
۶/۵ برابر بیشتر	۲۷۵ هزار دستگاه	۲,۲۰۰ هزار دستگاه	۸	فرانسه	
۶/۵ برابر بیشتر	۲۶۹ هزار دستگاه	۷,۸۰۰ هزار دستگاه	۲۹	امریکا	
۵ برابر بیشتر	۲۰۰ هزار دستگاه	۳,۶۰۰ هزار دستگاه	۱۸	برزیل	
۷۵ درصد بیشتر	۷۴ هزار دستگاه	۱,۴۰۰ هزار دستگاه	۱۹	انگلستان	
۱۲ برابر بیشتر	۴۹۲ هزار دستگاه	۵,۹۰۰ هزار دستگاه	۱۲	آلمان	
-	۳۰۰ ۱۷,۴۰۰	۳۸,۶۰۰ تن ۵۲,۳۰۰ تن	۱۱ دولتی + ۱۱۶ خصوصی = ۱۲۷ شرکت ۳	ایران کره جنوبی	فولاد (اعداد به هزار)
-	۱۰۰ تن ۵۹۰۰ تن	۷۰,۰۰۰ تن ۵۹,۰۰۰ تن	۷۱ ۱۰	ایران کره جنوبی	سیمان (اعداد به هزار)
-	۰/۰۱۴ میلیارد دلار	۷,۱ میلیارد دلار	۱۲۴	ایران	دارو
۳ برابر بیشتر	۰/۰۶۲۵ میلیارد دلار	۶ میلیارد دلار	۹۶	ترکیه	

مجموعه‌های صنعتی گردیده است (جدول ۱).
 همان‌طور که از جدول فوق مستفاد می‌گردد در صنایع بانکداری، خودرو، فولاد، سیمان و دارو در مقایسه با کشورهای دیگر از صرفه‌های مقیاس استفاده نشده است. به عبارت دیگر، ورود به این صنایع بدون توجه به مقیاس صورت گرفته است. در حالی که مقیاس شرط مبنایی کارایی می‌باشد. به طور مثال، در پایان سال ۱۳۹۱، تعداد شرکت‌های داروسازی فعال در کشور ۱۱۴ واحد بوده که در پایان نه ماهه اول سال ۱۳۹۲ به ۱۲۴ واحد بالغ گردیده است، یعنی ماهیانه حداقل یک شرکت به شرکت‌های مذکور اضافه گردیده است. این امر نه تنها نتیجه‌ای جز خردکردن بازار شرکت‌های داروسازی در بر نداشته، بلکه زیان بیشتری نسبت به احتمال ایجاد انحصار برای منافع ملی به وجود آورده است. عدم استفاده از صرفه‌های مقیاس و به تبع آن عدم بهره‌مندی از کارایی، به کاهش بهره‌وری و بازدهی هرواحد هزینه در صنایع مذکور نیز انجامیده است. از سوی دیگر، عدم بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس مانع تامین هزینه‌های سنگین نوآوری، تحقیق و توسعه، به ویژه در صنعت دارو شده که این به نوبه خود به محدودیت‌های فنی رقابت‌پذیری انجامیده است. در مقابل توجه بیشتر به بخش خدمات منجر به رشد بیش از حد این بخش نسبت به سطح توسعه‌یافتگی اقتصاد شده است. بنابراین، بخشی از خدمات کل به‌عنوان بخش نامولد اقتصاد، نه تنها مشوق و مکمل تولید نبوده (برخلاف کشورهای توسعه‌یافته) بلکه جذب بیشتر منابع به این بخش، هزینه‌های فرصت سرمایه‌گذاری در بخش تولید و صنعت را نیز بالا

برده است.

■ بالاترین رقم فروش در بین ۱۲۴ شرکت تولیدکننده دارو در کشور، حدود ۳۰۰ میلیارد تومان یا ۰/۱ میلیارد دلار است (یعنی بزرگترین تولیدکننده دارو در ایران از لحاظ فروش، ۶۰۰ بار کوچکتر از بزرگترین تولیدکننده دارو در آمریکا است).

■ ارزش بازار داروی تولید داخل ایران (فروش ۱۲۴ شرکت موجود)، در پایان آبان سال ۱۳۹۲ بالغ بر ۳۴۵۳ میلیارد تومان بوده است. که به صورت برآوردی به ۵۰۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ بالغ خواهد گردید. بر اساس دلار بازار آزاد ۲۹۵۰ تومان، این حجم از فروش معادل ۱/۷ میلیارد دلار می‌گردد. به عبارت دیگر، کل بازار داروی تولید داخل ایران معادل این رقم خواهد بود (یعنی سهم ایران از ارزش بازار جهانی دارو تنها ۰/۱۷ درصد است).

■ از این رقم سهم هزینه تحقیق و توسعه شرکت‌های داروسازی بسیار اندک بوده و قابل اغماض است، زیرا اندازه کوچک شرکت‌ها و بازار دارو، اجازه تحصیل و صرف هزینه‌های تحقیق و توسعه را نمی‌دهد.

■ جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته شد و به دلیل تاثیر غیرقابل انکار صرفه‌های مقیاس در عملکرد بنگاه، بازار و اقتصاد و تاثیر قاطع آن بر رقابت‌پذیری کشورها در صحنه تجارت بین‌الملل، این مقوله مورد توجه و اقبال سیاست‌گذاران قرار گرفته اما متأسفانه بررسی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که در این اقتصاد از صرفه‌های مقیاس به خوبی بهره‌برداری نمی‌شود.

امید می‌رود با این اقدام، در آینده‌ای نزدیک صنعت کوچک مقیاس کشور به موتور محرکه پر قدرت توسعه پایدار و رشد اقتصادی بدل گردد.

زیرنویس‌ها

1. Economies of Scale
2. Minimum Efficient Size (Scale)
3. اندازه بنگاه‌ها معمولاً برحسب شاغلان یا فروش در نظر گرفته می‌شود. در این جا میانه، حد وسط توزیع بنگاه‌ها برحسب فروش است.
4. Galbraith
5. Good Manufacturing Practice

منابع

1. Scherer FM. Industrial Market Structure and Market performance. Chicago: Rand McNally 1979.
2. خداد کاشی ف. صرفه‌های مقیاس در ایران: مورد بخش صنعت مجله تحقیقات اقتصادی؛ ۱۳۸۶
3. Weiss LW. Factors in changing Concentration. Rev Econ Stat 1963; 45: 70-77.
4. Strickland AD. Weiss LW. Advertising, Concentration and Price- cost Margin. J Politic Econom 1976; 84: 1109-1121.
5. Hart Clark R. Concentration in British Industry:1935-75, Cambridge University Press; 1980.
6. Comanor WS. Market Structure, Product Differentiation and Industrial Research. Quart J Econom 1967; 57: 245-65
7. Porter ME. Competitive strategy, Free Press; 1980n
8. دفتر اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران، گزارش‌های مربوط به مقایسه تعداد شرکت‌های تولیدی فعال در برخی صنایع در داخل و خارج.

صرف نظر از برخی از صنایع و بنگاه‌ها، کوچک بودن اقتصاد ایران علت اصلی عدم بهره‌برداری از منافع ناشی از مقیاس است. مقیاس کوچک بازارها و بنگاه‌ها یکی از علل بالا بودن هزینه تمام شده و قیمت است.

چنانچه بازارهای خارجی به‌عنوان هدف صنایع ایران در نظر گرفته شوند، این امکان فراهم خواهد شد که مقیاس تولید بنگاه‌ها افزایش یابد و از منافع صرفه‌های مقیاس به شکل کاهش هزینه متوسط و کاهش قیمت برخوردار شوند.

در مورد صناعی که امکان صدور کالا در افق کوتاه‌مدت یا بلندمدت وجود ندارد، می‌توان به جای برخورداری از صرفه‌های مقیاس به منافع ناشی از تنوع تولید توجه نمود.

صرفه‌های مقیاس به سیاستگذاران گوشزد می‌کند که آزادسازی فراگیر ورود به یک بازار الزاماً منجر به افزایش رقابت نمی‌شود، به ویژه اگر بازار مربوطه از صرفه‌های مقیاس بالایی برخوردار باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد به جای تشویق تکثیرگرایی در حوزه تولید و ایجاد بنگاه‌های خرد بیشتر و به تبع آن خردساختن بازار و حذف بهره‌مندی‌های حاصل از صرفه مقیاس از جمله کاهش قیمت تمام‌شده و تامین منابع هزینه‌های تحقیق و توسعه، متقاضیان جدید مایل به سرمایه‌گذاری در حوزه دارو، به سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های دارویی موجود به ویژه از طریق سازوکار بازار سرمایه و مشوق‌های لازم که باید تمهید گردد، در راستای توسعه آن‌ها در اندازه و ابعاد مقیاس جهانی و تنوع در تولید تشویق گردند.